

مَثَلُ هَا وَكَنَايَاتُ تَالْشِى

سیدمؤمن منفرد چماچار



بەنام پروردگار یکتا

مَثَلُ حَاوِكَنْيَاٰتِ تَلْشَےٰ



لِرْمَدَنْكَ أَبْلَيَا

مَثَلُهَا وَكَنْيَاتُ قَالِشَى

گرداوری و پژوهش:
سیدمؤمن منفرد چماچار



فیضی ایلیا

سروشناستاهمه: منفرد چمچار، سیدمؤمن - ۱۳۶۳
 عنوان و پدیدآور: مُثُل‌ها و کنایات تالشی /
 گردآوری و پژوهش سیدمؤمن منفرد چمچار؛ [به سفارش حوزه هنری گیلان]
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.
 شابک: ۰-۹۷۴-۹۶۴-۱۹۰-۶۷۴
 موضوع: مُثُل‌های تالشی
 Proverbs, Taleshi
 موضوع: تالشی - واژه‌نامه‌ها - فارسی
 Taleshi dialect -- Dictionaries -- Persian
 موضوع:
 رده‌بندی کنگره: PIR ۳۲۴۲
 رده‌بندی دیوبی: ۳۹۸
 شماره کتابخانه ملی: ۵۹۳۲۵۱۶



-
- مُثُل‌ها و کنایات تالشی
 - سیدمؤمن منفرد چمچار
 - چاپ نخست: ۱۳۹۹
 - شماره کتابخانه: ۷۵۹
 - شماره نسخه: ۰
 - طرح جلد: مهدی محمدغیریب
 - نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا
 - همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است
 - شابک: ۰-۹۶۴-۱۹۰-۶۷۴-۲
 - نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دیرستان بهشتی، خ صفائی، خ حاتم، شماره ۴۹
 - تلفن: ۰-۳۳۳۴۴۷۳۲ - ۰-۱۳-۳۳۳۴۴۷۳۲
 - دورنگار: ۰-۱۳-۳۳۳۲۱۸۲۸
-

فهرست

۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹	پیش گفتار
۱۷	راهنمای آوانگاری
۱۸	نگاه تالش‌ها به ابعاد مختلف زندگی بر طبق مَثُل‌ها
۲۵	مَثُل‌ها و کنایات
۲۷۱	واژه‌نامه
۲۸۶	منابع واژه‌نامه



حوزه هنر گیلان

نشانی اینترنتی

www.artguilan.ir



artguilan

مرکز پخش

۰۱۳ - ۳۳۳۴۵۵۷۱

۳۳۲۶۵۵۲۴

یادداشت حوزه هنری گیلان

مَثَلُ‌ها عصَاره‌ی تجربه سالیان دراز زندگی نیاکان ما هستند. شاید آن‌چه که اکنون به عنوان مَثَل به دست ما رسیده است، شکل‌گیری اش سال‌ها و قرن‌ها طول کشیده باشد. مَثَل، شعر نیست که خلق‌الساعه به ذهن پویای شاعری متأثر شده باشد، داستان نیست که ترکیبی از تجربیات زندگی و خاطرات ما باشد؛ چیستان نیست که بررشی از خیال‌انگیزی از پدیده‌های پیرامون باشد؛ مَثَل است هر چند ممکن است اول‌بار از زبان یک فرد از افراد جامعه جاری شود، اما این گفته‌های نغز تا در ذهن و زبان یک قوم جانگیرد، مَثَل نیست. به همین خاطر در مالکیت مادی و معنوی هیچ فردی قرار ندارد و از نسلی به نسل دیگر متنقل می‌شود، این گنجینه‌ی عظیم را می‌توان در جای‌جای جهان، از شرق تا غرب یافت و هیچ قومی نیست که امثال خاص خود را نداشته باشد.

در زیان تالشی، اگرچه در زمینه‌ی ادبیات مکتوب آثار فراوانی منتشر نشده است، اما در زمینه‌ی فرهنگ عامه به صورت سینه‌به‌سینه و شفاهی، گنجینه‌ی بزرگی برای ما بر جای مانده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مَثَل‌ها، آواها و نواهای فولکلور، نقل‌ها، چیستان‌ها، دویتی‌های عامیانه و... اشاره کرد. تقریباً تا پنج دهه پیش کمتر کسی در پی ثبت و ضبط امثال و حکم محلی بود؛ چرا که این زبان‌ها هنوز پویایی و سرزندگی‌شان را داشتند و بیم از بین رفتن‌شان نبود، اما کم کم با حضور همه‌گیر زندگی شهری و کمرنگ شدن مؤلفه‌های پویایی زبان‌های محلی، برخی از پژوهشگران به گردآوری مَثَل‌ها و اصطلاحات محلی دست زدند و اکنون کتاب‌هایی در این زمینه منتشر شده است.

پژوهش در زمینه‌ی ادبیات عامه، از جمله ادبیات عامه‌ی تالشی مشکلات خاص خود را دارد زیرا گویش‌های مختلف یک زبان، گاه از روستایی به روستایی دیگر متفاوت است. گاهی یک مُثَل حتی در دو روستای کنار هم، از نظر واژگانی، آوایی و... تفاوت‌هایی دارند. از طرفی همسان نبودن آوایی و واژه‌های فارسی و محلی و نوشтар سلیقه‌ای و غیرعلمی هم بر مشکلات کار می‌افزاید.

حوزه هنری گیلان هم‌اکنون به‌منظور حفظ این گنجینه‌های ارزشمند با کمک پژوهشگران استان، مُثَل‌های شرق، بخش مرکزی، غرب گیلان و همچنین مُثَل‌های تاتی را گردآورده است که برخی از این آثار متشر شده و برخی دیگر در شُرف انتشار است. مُثَل‌ها و کنایات تالشی نیز هم‌اکنون به کوشش سیدمومون منفرد گردآمده است که جا دارد سپاسگزار ایشان باشیم. امید است این کتاب مورد توجه همه‌ی دوستداران ادبیات عامه به‌ویژه هموطنان تالش‌زبان قرار گیرد.

واحد آفرینش‌های ادبی

پیش‌گفتار

قوم تالش یکی از اقوام کهن ایرانی است که در محدوده‌ی بین دو رود کورا و سفیدرود سکونت دارد. بخش اعظمی از تالش‌ها در استان گیلان در کنار نوار سبز جنگل‌ها و رشته‌کوه‌های تالش زندگی می‌کنند؛ منطقه‌ای که میان جنگل و دریا قرار گرفته است و مانند نگین سبزی در شمال ایران می‌درخشد. تالش‌ها مردمی سلحشور هستند که در طول تاریخ از کیان کشور عزیز ما ایران در ادوار مختلف تاریخی حراست و مرزبانی کرده‌اند. در نظر پژوهشگران، سرزمین تالش به چند قسمت از جمله تالش شمالی، تالش مرکزی و تالش جنوبی تقسیم می‌شود؛ که تالش شمالی شامل بخش‌هایی از کشور جمهوری آذربایجان، تالش میانی شامل عنبران نمین اردبیل، آستانه، لوت‌دویل، چوبر، حویق، لیسار، تالش، اسلام، پرهسر و رضوانشهر؛ و تالش جنوبی نواحی مختلفی از شاندرمن، ماسال، صومعه‌سرا (گوراب زرمیخ)، فومن، ماسوله، ماکلوان، شفت و روبار را دربر می‌گیرد.

فرهنگ مردم

«فولکلور هر ملت یا «فرهنگ مردم» چه از جنبه‌ی علمی و چه از لحاظ اجتماعی، برای خود آن ملت و برای مردم سراسر جهان، دارای ارزش و اهمیت بسیار است. ارزش جهانی فولکلور بدان سبب است که دانش عوام هر ملتی آینه‌ی ذوق، هنر، معرفت خلق و خوی آن ملت و وسیله‌ی خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم است و چون غالباً با فولکلور ملل دیگر رابطه‌ی تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند سفیر حسن نیت و پیام‌آور دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد. در حقیقت فولکلور، عامل قابل توجهی در پیوند ملت‌ها با یکدیگر است و می‌تواند پیوند دوستی و رابطه‌ی معنوی آن‌ها را مستحکم سازد و آشنایی و دوستی ملت‌های جهان با هم، ویقه‌ی صلح و آشتی آن‌ها با همدیگر و نابودکننده یا لااقل تحفیض‌دهنده‌ی کینه‌ها و دشمنی‌ها است.»^۱

۱. انجوی شیرازی، ابوالقاسم، ۱۳۷۱، گذری و نظری ... در فرهنگ مردم، انتشارات اسپرک، ص ۱۰.

زبان تالشی

«مردم تالش به گویش تالشی سخن می‌گویند. در طبقه‌بندی زبان‌ها، تالشی را از گویش‌های ایرانی گروه شمال غربی می‌دانند. این گویش امروزه، علاوه بر گیلان و بخش‌هایی از اردبیل، در جمهوری آذربایجان نیز رایج است و گونه‌های متعددی دارد که همه‌ی آن‌ها را می‌توان در سه گروه متمایز، یعنی تالشی شمالی، مرکزی و جنوبی جای داد؛ هر چند ترسیم مرز دقیق زیان‌شناختی بین گروه‌های سه‌گانه‌ی تالشی با اندکی تسامح همراه است، با این حال براساس برخی ملاحظات زبان‌شناسی، مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن سویِ آرس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که ادامه‌ی آن در ایران تا کرگان‌رود تالش نیز پیش رفته است. تالشی مرکزی در گستره‌ی نوار طولی رودخانه‌های ناوی و شفارود در شمال، و شفارود در جنوب رواج دارد. تالشی جنوبی در نواحی میان رودخانه‌های شفارود در شمال، و سفیدرود در جنوب متداول است. مطمئناً وجود تمایز این گروه‌ها در دو سوی مرز، که به هم نزدیک‌اند، بسیار کم‌رنگ است. البته در درون هر گروه نیز گونه‌هایی وجود دارد که آن‌ها را از هم‌دیگر متمایز می‌کنند. بدین ترتیب، از تالشی شمالی می‌توان لهجه‌های لنگرانی، ماساللی، عنبرانی، چوبیری، جوکنданی و...، از تالشی مرکزی، لهجه‌های ناوی، اسلامی، پره سری، ارده جانی و...، از لهجه‌های جنوبی، خوشابیری، شاندرمنی، ماسالی، ماسوله‌ای، شفتی و... را نام برد.»^۱

مُثُل

مُثُل به سخنانی می‌گویند که در کاربرد آن از تشبیه، استعاره، کنایه و دیگر صنایع ادبی بهره بگیریم. گاه یک مُثُل از یک قصه‌ی بلند نشأت می‌گیرد، گاه از یک اتفاق ساده و گاه از اتفاقات و حوادث تاریخی. در بیان مُثُل، گاه یک چیز را به چیز دیگر یا یک شخص را به شخص دیگری مانند می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت مُثُل حاصل تفکرات، باورها، پندارها و پیشامدهای تاریخی یک قوم است که به تدریج در طول زمان شکل گرفته و سینه‌به‌سینه به دست ما رسیده است.

۱. رضایتی کیشه‌خاله، محرم؛ فاضلی، فیروز؛ یوسفی نصیر محله، مریم، ۱۳۸۷، نمودهای اجتماعی و مردم شناختی در گویش تالشی، نشریه‌ی گویش شناسی، ویژه‌ی فرهنگستان، دوره پنجم، شماره اول، صص ۵۶ و ۵۷.

مثل‌های تالشی

تالش‌ها از فرهنگی غنی برخوردارند. فرهنگ عامه‌ی اهالی این سامان شامل دویستی‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، باورهای عامیانه، افسانه‌ها و ... است. اگر کمی دقیق به مثل‌های تالشی نگاه کنیم، می‌توانیم نگاه اهالی تالش به عناصر طبیعت، کار کشاورزی و دامداری، انساع جشن‌ها و عروسی، اشاره به تاریخ، رسم و رسومات، انواع بیماری و درمان آن‌ها، انواع خوراک و دههای مورد دیگر را مورد بررسی قرار دهیم. مثل‌های تالشی به علت اینکه از گزند دستبرد به دور بوده‌اند و از زبان معمرین منطقه به دست ما رسیده‌اند، دارای واژه‌ها و اصطلاحاتی هستند که در حال حاضر در بین گویشوران آن در حالت عادی کاربرد کمتری دارند. در حقیقت می‌توان گفت مثل‌ها، حافظان بسیاری از لغات و اصطلاحات این زبان قلیمی‌اند. بعضی از مثل‌ها چنان از ریتم و وزن مناسبی برخوردارند و دارای قافیه و سجع هستند، گویی مصراوعی یا بیتی از یک منظومه‌ی فولکلور به شمار می‌روند. بدین سبب نگارنده حدود ۱۰ سال است که هر جا مثلی را شنیده، به ثبت آن مبادرت ورزیده است. در این مجموعه، نگارنده حدود ۱۵۰۰ مثل و کنایه را گردآوری کرده است که در ادامه خواهد آمد.

پیشینه‌ی تحقیق

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد؛ اولین کتابی که به چاپ مثل‌های تالشی پرداخته است، کتاب «فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری» چاپ سال ۱۳۸۰، از آقای علی عبدالی، تالش‌شناس برجسته است که بخش هفتم کتاب ایشان به امثال و حکم تالشی تالشدولابی اختصاص داده شده است.

اولین کتابی که به صورت کاملاً اختصاصی به مثل‌های تالشی پرداخته است، کتاب «فرهنگ تعبیرات و کنایات؛ تالشی‌نامه» تالیف دکتر علی نصرتی سیاهمزگی است که به گویش روستای سیاهمزگی شفت گردآوری و در سال ۱۳۸۶ به وسیله‌ی نشر فرهنگ‌ایلیا منتشر شده است.

دومنین اثر مستقل که به چاپ مثل‌های تالشی پرداخته است، کتاب «امثال و حکم» نبی الله شعبانی است به مثل‌ها و کنایه‌های تالشی دو حوزه‌ی شرق و غرب رودخانه‌ی شفارود اختصاص داشت و به وسیله‌ی انتشارات جامعه‌نگر در سال ۱۳۸۸ منتشر شد.

چهار کتاب دیگر نیز تحت عنوان «نقل و نبات» اثر امیرقلی عاشوری (به گویش ماسالی) در سال ۱۳۸۸ به وسیلهٔ نشر فرهنگ‌ایلیا، «چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌های تالشی» اثر عباس رضاپور لاسکی (به گویش شفتی) در سال ۱۳۹۱ به وسیلهٔ نشر بلور، «سیری در زندگی تالش‌ها» اثر اسماعیل بخشی‌زاده در سال ۱۳۹۱ (به گویش آلیان فومن) به وسیلهٔ نشر دایره‌ی سبز، «قصه‌ها و مثل‌های تالشی» اثر علی عبدالی در سال ۱۳۹۳ (به گویش تالشدولابی) به وسیلهٔ نشر بلور منتشر شده‌است که هر کدام فصلی از کتاب خود را به مُثُل‌های تالشی اختصاص داده‌اند.

علاوه‌بر آثار مستقل پژوهشگران فوق، می‌توان به افرادی چون شهرام آزموده، قریان صحرایی چاله‌سرایی، رحیم پورداده، حسین صفری سیدآبادی، آرمین حیدریان، مهرشاد کرمزاده، میثم فریدی، محمدرضا شافعی اشاره کرد که در نشریات محلی چون تالش، تیجخره، صدای تالش و بهار تالش؛ و فرامرز مسورو و دکتر علی رفیعی جیرده‌ی در کتاب «فرهنگ لغت تالشی»، به جمع‌آوری تعدادی از مُثُل‌های تالشی و انتشار آن همت گماشته‌اند. نگارنده نیز در نشریاتی چون تالش، نسیم تالش، بهار تالش، سرزمین نوروز، ویژه‌ی شاندرمن و... به چاپ و انتشار مُثُل‌های و کنایات تالشی پرداخته است.

با توضیحات فوق، کتاب «مُثُل‌های و کنایات تالشی» سومین اثری است که به صورت اختصاصی به مُثُل‌های و کنایات تالشی و اولین اثری است که به مُثُل‌های و کنایات تالشی به گویش شاندرمنی می‌پردازد.

دریاره‌ی این مجموعه

مُثُل‌های این مجموعه به زبان تالشی جنوبی است. که مناطقی از خوشاب‌رضوانشهر، شاندرمن، ماسال، گوراب زرمیخ صومعه‌سرا، فومن، ماکلوان، ماسوله، شفت و روبار را که مردمان آن به زبان تالشی سخن می‌گویند، دربر می‌گیرد. شکل دستوری زبان تالشی و چگونگی تکلم آن در تالش جنوبی به طور کلی یکی است و فقط در برخی از لغات و افعال با یکدیگر فرق دارند؛ طوری که دو فرد تالش از شاندرمن و شفت می‌توانند به راحتی با هم به تالشی صحبت می‌کنند. دریاره‌ی فرق گویش‌های این زبان، به عنوان مثال می‌توان به دو منطقه‌ی هم‌جوار شاندرمن و ماسال اشاره داشت. در این دو منطقه برخی لغات و افعال کاملاً با هم فرق دارد که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

برگردان	ماسالی	شاندرمنی
گم شد	avi āba	ژن آبه žən āba
دوید	tilla	موشته mušta
بدو	bətil	بموس bəmus
برخیز	bizən	بیزَن bayzən
برخاست	išta	آشتَه ašta
توانستن (مصدر)	šāte	شاسته šāste
بنوش	bihinj	بنج banj
برود	bušu	بشو bəšu
پیدا کردم	təlaftəma	آویندَمه āvindəma
برنج	bərz	برج bərj
رقص	vaštan	دوش duš
دهان	dan	گه ga
ناخن	mangə	مینگی mingi
دختر	kina	کیله kila
امشب	ušān	شَنَار šanär
خورشت همراه پلو	nuarəš	اووزون uzun
امروز	uru	اوری uri
می‌آورم	vuarəm	وارم varəm
افتاد	balaka	برگنه bargəna
چقدر	čada	چندی čəndi
خورد، بر زمین	gina	گنه gəna
بزرگ	pil	لال läl
اینجا	yă	هیبا hiyă
آنجا	hă	هوآ huă
گریه	bəramse	برمه bərame
چوبان	šumna	شوئنه šuna
حرف	lua	گف gaf
گوجه فرنگی	vanjum	واجام vājäm
گردو	viz	وز vuž

بیشتر مُثُل‌های این مجموعه از روستاهای مختلف شاندرمن و تعداد کمی از آن‌ها از دیگر نقاط تالش مانند: پولن، ماسال، پشتیر صومعه‌سرا، ایشکیله گرای فومن و ... گردآوری شده است. به همین دلیل می‌توان گفت که بیش از نیمی از مُثُل‌ها و کنایات تالشی این مجموعه در هیچ منبع مکتوبی چاپ نشده است. البته این مُثُل‌ها در دیگر نقاط تالش نیز، با اندکی تغییر، کاربرد دارند.

بخش اعظمی از مُثُل‌های این مجموعه را نگارنده از زبان مادر خودشینیده و ثبت نموده است؛ طوری که در حین زندگی روزمره هر انفاقی می‌افتداد او با بیان خاطره‌ای از نزدیکان و اقوام خود، مُثُل، داستان، دویستی، چیستان، یا باوری عامیانه را به یاد می‌آورد و نگارنده نیز آن‌ها را ثبت می‌کرد و این مجموعه، حاصل آن پیگیری‌ها و علاقه‌ی به فرهنگ عامه‌ی مردم تالش است. این موضوع نشان می‌دهد که اگر هر ایرانی از هر قومی بخواهد، می‌تواند فرهنگ عامه‌ی قوم خودش را از معمرین خانواده‌ی خود جمع‌آوری کند تا از گزند آن‌ها در اثر گذر زمان جلوگیری کند.

- چون مُثُل‌های این مجموعه به گویش شاندرمنی است در بیشتر موارد، هنگام اشاره به مُثُل‌های گویش‌های دیگر مناطق تالش، واژه‌های گویش شاندرمنی که از نظر تلفظ با آن‌ها متفاوت بوده است را در داخل پرانتز قرار داده‌ایم.

روشن کار در این مجموعه به شرح زیر است

۱. تحقیق میدانی و ثبت مُثُل‌ها از گویشوران تالشی زیان؛
۲. برقراری ارتباط با محققان و پژوهشگران منطقه و گرفتن مُثُل‌های آن‌ها؛
۳. دسته‌بندی مُثُل‌ها و کنایه‌ها بر اساس حروف الفبا؛

- هر مُثُل در این مجموعه دارای کد مخصوصی است که نشان می‌دهد این مُثُل در کدام روستا یا منطقه و از قول چه کسی ثبت شده است.

- تا جایی که نگارنده توانسته در ادامه‌ی هر مُثُل، معادل آن را که به شکلی دیگر وجود داشته، ثبت کرده است. و اگر از منشأ هر مُثُل اطلاع داشته، در پایان آن به توضیحات بیشتر پرداخته است.

در پایان واژه‌نامه‌ای تهیه شده که بسیاری از لغات این مجموعه را دربر گرفته است. نگارنده سعی کرده است تا این مجموعه را با نواقص و خطاهای کمتری به خواندن‌گان عرضه کند ولی از آنجا که هر کتابی دارای نواقص و اشتباهاتی خواهد بود،

از خوانندگان گرامی تقاضا داریم با پیشنهادات و انتقادات خود ما را برای ادامه‌ی کارهای بعدی یاری رسانند.

کُد مُثَل‌ها

الف: روستاهای شاندرمن

(سیاهمرد.ق) مهرانگیز قلی‌پور / (ظهرابچی.ع) زهرا علیاری / (سیاهمرد.ع.م) سید عظیم منفرد / (قران.ق) فرزانه قربانی / (سیاهمرد.م) سیده ماندانه منفرد / (سیاهمرد.ر) حسن رضاپور / (کوره‌جان.ن) جبار نوروزی کوره‌جان / (دران.ص) قربان صحرایی چاله‌سرایی / (سیاهمرد.م.م) سیدمهران منفرد / (وزمَر.ق) سمیه قربانی / (شالکه.ع) اقبال عبادزاده / (پاشکم.و) شاهپور وزیری / (سیاهمرد.م) سیدمحرم منفرد / (سیاهمرد.ک.ق) کامل قلی‌پور / (سیاهمرد.مهر.م) سیدمهرداد منفرد / (سیاهمرد.آ) محمد آشوری / (چاله‌سراس.ش) محرومعلی شعبانی / (سیاهمرد.ب) رسول برجی / (سیاهمرد.م.ق) مهین‌دخت قلی‌پور / (سیاهمرد.ی) جهاد یعقوبی / (سیاهمرد.ح) سیده‌صدیقه حمیدی پیرسرا / (سیاهمرد.مر.م) مرجان محمدی / (چاله سراس.ش) بیژن شعبانی چاله‌سرایی / (استلغخ زیر) «سلیه چر».ش) دولت شاعری / (سیاهمرد.ام) سیده‌الهام منفرد / (سیاهمرد.م) اسکندر مسکینی / (گسکمین جان.ن) نعمتی / (قران.ح) اعظم حسرتی / (سیاهمرد.ش) حسین شعبانی / (بازار.ا) اشکبوس «علی» اسرارپوش / (معاف.ع) ماهره عاشقی معاف / (سیاهمرد.ک.ح) کیوان حقیقی / (بیتم.ب) مظفر بخشده / (سیاهمرد.گ) محمد گیور / (چماچار.آ) مهدی آذری / (سیاهمرد.ب) قهرمان (علی حسن) بخشندۀ / (چپه زاد.م) محمدرضا مرزیان / (چاله سراس.د) اصلاح دولت‌آبادی / (بازار.م) مهرداد مرادخانی / (شالکه.آ) ناصر آقاجان‌پور / (کوره جان.ب) بی‌نیاز / (دران.د.ص) داریوش صحرایی چاله‌سرایی / (بازار.س) شیرین سوادیان / (سیاهمرد.ا.ر) امین رحمانی / (سیاهمرد.ا.ق) ابراهیم قلی‌پور / (سیاهمرد.ف.ر) ف.رحمانی / (اولم.ر) شاهین رحیمی / (سیاهمرد.ب) نازعلی «نازیرا» نیرومند / (اما‌مزاده شفیع.ح) عبدالله حقیقی / (سیاهمرد.خ) عباس خانی / (سیاهمرد.ع) عزیز قلی‌پور / (باشکم.ک.و) کرم وزیری / (دران.ج) ناهید جمالی / (کفو.ا) ثریا ایلداری / (سله چر) (استلغخ زیر شاندرمن.خ) قسمت خانی / (بازار‌جمعه.ش) محمدرضا شعبانی / (معاف.م.م) هدایت عاشقی معاف و مهین معاف / (معاف.ح) شیرین جان حاجتی.

ب: دیگر نقاط تالش

(پشتیر صومعه‌سران) اتوش ناریابی / (ایشکیله گرام) نقی مهرپویا / (تاسکوه ماسال.ا) نقی اسکندری تاسکوه / (تاسکوه ماسال.ب) بهروز یعقوبی / (پونل.ج) سیدنهضت حسینی نژاد / (گشت رودخان فومن.ع) سورالله عسگری / (وزمنا. فومن) اسماعیل بخشیزاده / (ماسال.خ) مریم خسروی لوحه‌سرا / (ماسال.ف) زرتشت فتحی. در اینجا لازم است یادی از ام البنین موسوی، گلی خانم قلی‌پور، جهان خانم یوسفی، قیصر خرسندی، محترم قلی‌پور و ... نیز شود که مادرم هر کدام از مثل‌ها را با یادآوری از نام آن‌ها می‌گفت.

یادکرد و سپاسگزاری

جا دارد در اینجا از تمام افرادی که مَثَلُهَا وَ كَنِيَاتُ رواستاهما و مناطق خود را در اختیار نگارنده قرار دادند، افرادی که مخاطب تحقیقات میدانی من بودند، از برادر ارجمند مسیدمهران منفرد چمچار و آقای اتوش ناریابی که همیشه مشوق من در زمینه‌ی کارهای فرهنگی هستند، از حوزه هنری گیلان که چاپ و انتشار این مجموعه را قبول زحمت فرمودند و از همه‌ی افرادی که به نحوی نگارنده را در به سامان رسانند این مجموعه یاری دادند، سپاسگزاری نمایم.

راهنمای آوانگاری

نیانه	خط فارسی	مثال
ă	آ	آو (ăv) = آب
a	آ	از (az) = من
e	ا	استه (esta) = هست
ə	ا	ام (əm) = این
o	ا	فُشون (qošun) = قشون
u	او	روشون (rušun) = روشن
i	ای	ایزم (izəm) = هیزم
b	ب	برا (bərā) = برادر
P	پ	پرداز (pard) = پل
t	ت	تاس (tās) = کاسه
j	ج	جیر (jir) = پایین
č	ج	چم (čem) = چشم
x	خ	خس (xəs) = سرفه
d	د	دار (dār) = درخت
r	ر	روار (rəvār) = رودخانه
z	ز، ذ، ض، ظ	زونه (zua) = پسر
ž	ژ	ژنم (žanəm) = می‌زنم
s	س، ث، ص	سوکله (sukla) = خروس
š	ش	شی (šey) = پیراهن
q	غ، ق	غمچی (qamči) = تازیانه
f	ف	فو (fu) = فوت
k	ک	که (ka) = خانه
g	گ	گافارو (găfărū) = گهواره
l	ل	لِف (lef) = لحاف
m	م	مورجوئه (murjuna) = مورچه
n	ن	نال (năl) = نعل
v	و	وز (vuz) = گردو
h	هـ	هر (harə) = می‌خورد
y	ی	ی یند (yandə) = باهم

نگاه تالش‌ها به ابعاد مختلف زندگی بر طبق مَثُل‌ها
مَثُل‌ها چگونگی نگاه مردم آن قوم را به ابعاد مختلف زندگی نشان می‌دهند؛ زیرا در اثر گذر زمان، باورها، پندارها و اتفاقات آن مردم تبدیل به مثل شده‌اند؛ به‌طوری‌که برای آن‌ها به صورت قانون درآمده است و همه بر درستی آن مثل صحنه می‌گذارند. آن‌ها از بازی‌های بومی خود، تاریخ، افسانه‌ها، کشاورزی، دامداری، گیاهان، جانوران در مَثُل‌های خود بهره‌ی زیادی برده‌اند که در زیر به تعدادی از این مَثُل‌ها و کارکردهای آن‌ها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

۱. تالشان در مثل زیر به یکی از صفات خداوند «وینار؛ بیتنده» اشاره می‌کنند که از داستان کوتاهی نشأت گرفته است:
- کور وا؛ آز نوینم، وینار ک، وین.

kur vă: az nevinəm, vinăr kə víno.

- برگردان: کور می‌گوید: من نمی‌بینم، بیتنده (خدا) که می‌بیند.
مفهوم: خداوند ناظر بر همه چیز است.
توضیح: روایت می‌شود روزی برنج فروشی داشت برای یک نایینا برنج وزن می‌کرد. به نایینا گفتند: تو که نمی‌بینی، شاید او برایت کمتر بریزد. در آنجا نایینا جواب داد من نمی‌بینم اما خداوند بیتنده‌ی همه چیز است (سیاهمرد. ق).
۲. در مثل زیر از بازی با گردو و ام گرفته‌اند و بازی شُل و ول را به آن تشییه کرده‌اند:
- آون ووژه مزا دریئه.

aven vuza məzə darina.

- برگردان: آن‌ها در حال بازی با گردو هستند.
مفهوم: این مَثُل برای افرادی به کار می‌رود که به خوبی بازی کردن را بلد نیستند و یا آن بازی را بی‌اهمیت گرفته‌اند (سیاهمرد. مهر. م).
۳. در دو مثل زیر از تاریخ کمک گرفته‌اند و به نادرشاه افشار و رضاشاه اشاره کرده‌اند:

- نَدْرَشْ تَخْتِي كَا يَيَّنَدَه.

nadərəš taxti kă bayanda.

برگردان: نادرشاه افسار را از تخت پادشاهی پایین انداخته است.

مفهوم: این ضربالمثل برای افراد بسیار دانا و با سیاست به کار می‌رود (سیاهمرد.ح).

- کار رضا شایه، بکه قبول.

kārə rəzä šäya, bəka qabul.

برگردان: کار رضا شاه است، بکن قبول.

مفهوم: یعنی قانونی است که رضا شاه پهلوی وضع کرده است، به ناچار باید پذیرفت.

به عنوان مثال برای رفتن سریازی پسرها (سیاهمرد.ق).

۴. در مثال زیر به افسانه‌های اساطیری شاهنامه اشاره کرده‌اند:

- مَنْجَهْ دُنْيَا خُونْ سِيَاوَشَهْ؟

maga dənyä xunə siyävaşa?

برگردان: مگر دنیا خون سیاوش است؟

مفهوم: یعنی زندگی ادامه دارد و به پایان نرسیده است (سیاهمرد.ق).

۵. باور خود را درباره شب نشینی به صورت مثال بیان کرده‌اند:

- روزی را نقل مَوَایه، شمَهْ قَبْرَنْ آبُو.

ruzi ră naql maväya, şəma qabr žən ābu.

برگردان: در روز داستان نگویید، قبر شما گم می‌شود.

کاربرد: این مثل زمانی به کار می‌رود که کسی بخواهد در روز افسانه‌ای را تعریف

کند. این مثال نشان می‌دهد که تعریف داستان مربوط به شب‌های دراز پاییزی و

شب‌نشینی هاست (سیاهمرد.ق).

۶. مثل زیر از داستان‌های کوتاه نشأت گرفته است:

- كوكونه گله تنه ت. گرده، منه نى ت. گرده.

kukua gəla təna tə karda, məna ni tə karda.

برگردان: ای فاخته با خودت، تو کردنی، با من هم تو کردنی.

کاربرد: این مثل زمانی به کار می‌رود که فردی با راهنمایی اشتباه دیگران، ضرر

هنگفتی را متقبل شود.

منشاً مُثُل: یکی از علائم رفتان تالش‌ها به بیلاق در گذشته، خواندن فاخته بود؛ زیرا فاخته فقط در ۳ ماه بهار می‌خواند و در ۹ ماه دیگر لال می‌ماند. راوی نقل می‌کند: «روزی فاخته در فصل زمستان شروع به خواندن می‌کند. در این هنگام چوپانی به اشتباه رمه‌ی خود را به سمت بیلاق می‌برد. با توجه به سرمای سوزناک زمستان، تمام رمه‌ی چوپان از بین می‌رود. چوپان که از بیلاق به سمت گیلان (جلگه) در حال برگشت بود در میانه‌ی راه دید که همان فاخته که خوانده بود مرده است، آن موقع چوپان می‌گوید: ای فاخته با خودت، تو کردی و با من نیز تو، یعنی این بلا را تو سر خودت و سر من آوردی (سیاهمرد. ق.).

۷. در مُثُل زیر به کار کشاورزی و انجام عملیات شخمنزی با گاو نر اشاره کرده‌اند:
- هته ورزابی لپی اشتن دوشی کو بین.

həntə varzāi ləpi əstan duši ku bayanə.

برگردان: طوری که گاو نر، یوغ شخمنزی را از شانه‌ی خود بیندازد.
مفهوم: این مُثُل برای افرادی به کار می‌رود که زود از کوره در رفته و عصبانی می‌شوند و در این حین، کاری که دارند انجام می‌دهند را رها کنند (قرآن.ح.).

۸. به فرهنگ دامداری اشاره کرده‌اند:
- ورگی نه ورَه بَر، شونَه نَه خَلِه كَر.

vargi na vara barə, šuna na xəle karə.

برگردان: با گرگ بره می‌برد، با چوپان بانگ برمی‌آورد.
مفهوم: این مُثُل برای افراد جاسوس و دورو به کار می‌رود که در لباس دوستی از پشت به انسان خنجر می‌زنند (قرآن.ق.).

۹. به درمان سنتی با گیاهان و فراورده‌های طبیعی اشاره نموده‌اند:
- عَسْلَى وَاهَ: آز هزار دَرْدَى دَرْمُونِيَّه، آَوَى وَاهَ: پَس از كَارِيمَه.

asali vāta: az hazər dardi darmunima, āvi vāta: pas az kārima .

برگردان: عسل گفت: من درمان هزاران درد هستم، آب گفت: پس من کجا هستم.
مفهوم: این مُثُل نشان می‌دهد که نوشیدن آب پس از خوردن عسل، اثر آن را از بین می‌برد (سیاهمرد.ق.).

نگاه تالش‌ها به ابعاد مختلف زندگی بر طبق مثال‌ها / ۲۱

- شوندی که آواد، گزنه که خراوه:

šundi ka āvād, gazna ka xarāv.

برگردان: خانه‌ی آقطی آباد باد، خانه‌ی گزنه خراب.

کاربرد: این مثال زمانی به کار می‌رود که گزنه جایی از بدن را سوزاند و با مالیدن برگ آقطی روی محل سوزش، درد آن التیام یابد (سیاهمرد.ق.).

۱۰. دو مثال زیر را در خوشمزگی خوردن دو غذا با هم بیان کرده‌اند:

- مای و باکله موسله‌ای وری خراوه کرده.

măy o băkle musla i vari xarāv karda.

برگردان: ماهی و باقلایک طرف ماسوله را خراب کرد.

مفهوم: این مثال در خوشمزگی خوردن ماهی و باقلایک هم به کار می‌رود (سیاهمرد.ق.).

- ماست و مای ای دی خراوه کرده.

măst o măy i di xarāva karda.

برگردان: ماست و ماهی یک ده را خرابه کردنده.

مفهوم: این عبارت در استفاده همزمان ماست و ماهی شور به کار می‌رود که بسیار خوشمزه است (سیاهمرد.ق.).

۱۱. در مثال‌ها به مناطق مختلف تالش اشاره کرده‌اند از جمله آلیان فومن:

- سال آودونه، آلیند خراوه.

săl āvduna, ālyand xarāva.

برگردان: سال، سال آباد و پر از برکت است (اما) آلیان (منطقه‌ای تالش‌نشین در فومن) خرابه.

کاربرد: این مثال زمانی به کار می‌رود که با توجه به سال خوب و پر برکت، در بعضی خانواده‌ها تغییری حاصل نشده و به همان صورت قبلی به زندگی خود ادامه می‌دهند (آدم‌های خسیس) (سیاهمرد.ق.).

۱۲. در برخی مثال‌ها به روابط اقتصادی اشاره کرده‌اند:

- کسی کسی غم بیو بازار خستگی نیو.

kasi kasi qam bəbu, băzăr xastagi nebu.

برگردان: کسی غمخوار کس دیگر باشد، بازار شلوغ نمی‌شود.

مفهوم: یعنی با همکاری، هیچ‌کس به مشکل برنمی‌خورد (قرآن.ق).

- ئە چىم ھېمىشە مىملە.

a čomə hamışa meməla.

برگردان: او مشتری ھېمىشىگى من است.

مفهوم: اين مَثَل براى افرادى به کار مى رود که ھېمىشە به خانە يك نفر مهمانى رفته و

يا از يك مغازه‌دار خريد نماید (سياهمرد.ق).

۱۳. در مَثَل‌ها به بسیارى از پرندگان و انواع جانوران اشاره داشته‌اند:

- ھوا كَلَاج اوْمَه خومە كَلَاجى پخساون.

havă kalăč uma xuma kalăči pexəsăvənə.

برگردان: كلاڭى كە در ھوا است، آمده كلاڭى را كە لانە دارد، فرارى دهد.

كاربرىد: اين مَثَل زمانى به کار مى رود که فرد بىگانە‌اي بخواهد يك بومى را از

روستايىش فرارى بدهد (سياهمرد.ع.م).

نكته: در گويش ماسالى به جاي «ھوا كَلَاج» از «كَو كَلَاج» استفاده مى‌کنند (نقل

مضمون از دکتر فرزاد بختيارى).

- دارداكىو سىتە حَمَوَالَه.

dărdăku sita hamvăla.

برگردان: داركوب حَمَال سار است.

مفهوم: اين مَثَل براى افرادى به کار مى رود که از دسترنج دىگران سوء استفاده مى‌کنند

(ظهرابچىع).

- لَتْسَى آىْ هَرَدَه، گُوزَگَا آىْ پَرَوَرَدَه.

lanati ay harda, guzgă ay pervarda.

برگردان: مار او را خورده است، قورباگە او را بالا آورده است.

مفهوم: اين مَثَل براى افراد زشت به کار مى رود (سياهمرد.ق).

- اسپە گازى بى كَتِيَه كا بچاكنى؟ خاشى سَرَى كُو.

əspa găzi bi kante kă bəčäkəni? xăši sari ku.

برگردان: دندان سگ را باید در كجا بشكى؟ روی استخوان.

نگاه تالش‌ها به ابعاد مختلف زندگی بر طبق مثال‌ها / ۲۳

مفهوم: این مثال نشان می‌دهد که سخن دندان شکن را باید به موقع بر زبان جاری ساخت یا خلافکار را هنگام خلاف به مأمورین پلیس نشان داد (سیاهمرد.ق.).

۱۴. در برخی مثال‌ها به ازدواج و مهریه اشاره داشته‌اند:

- گیشه بی جاهاز نبو، قاتق بی پیاز.

geša bi jahāz nebu, qātəq bi piyāz.

برگردان: عروس بدون جهاز نمی‌شود، خورشت بدون پیاز.

کاربرید: این مثال زمانی به کار می‌رود که شخصی برای یک کاری کم می‌گذارد و آن را ناقص انجام می‌دهد (ظهرابچی.ع.).

- هه مرینه هه هشت. یکی نه ارزی.

ha mariya ha haštə yaki neerzi.

برگردان: همان مهریه به همان یک به هشت نمی‌ارزد.

مفهوم: این مثال برای خانم‌هایی به کار می‌رود که مهریه‌شان پایین باشد.

نکته: این مثال نشان دهنده‌ی مذهب مردم تالش است؛ زیرا در دین اسلام به بانوی متوفی یک هشتم اموال به ارث می‌رسد (سیاهمرد.ق.).

۱۵. مثال زیر نیز اشاره به مردسالاری بین تالش‌ها دارد:

- ژنی دوس بدا، دور بدا.

ženi dus bədə, dur bədə.

برگردان: زن را دوست داشته باش، اما (از خودت) دور نگه داشته باش.

مفهوم: این نشان دهنده‌ی مردسالاری بین تالش‌هاست؛ زیرا آن‌ها معتقدند در صورت بها دادن زیاد به زن‌ها، آن‌ها سوء استفاده خواهند کرد (شالکه.آ).

و بسیاری از موارد دیگر که در این مقال نمی‌گنجد.